



## تأملاتی بنیادین در مطالعات تطبیقی هنر

پدیدآورده (ها) : ذکرگو، امیر حسین  
هنر و معماری :: هنر :: زمستان 1381 - شماره 54  
از 163 تا 173

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/908805>

دانلود شده توسط : علیرضا کریمی  
تاریخ دانلود : 15/09/1398

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

# تأملاتی بنیادین

## در مطالعات تطبیقی هنر

دکتر امیرحسین ذکریگو



مقاله حاضر مشتمل بر دو بخش اصلی است:

بخش اول شامل صورت مسئله و ضرورت مطالعات تطبیقی هنر، و بخش دوم ساختارهای اصلی مطالعات تطبیقی هنر در قالب پنج شیوه تطبیقی معرفی شده‌اند. این پنج شیوه عبارتند از:

۱. تطبیق طولی یا تسلسل تاریخی (Chronological)

۲. تطبیق عرضی یا برش تاریخی (Slice)

۳. تطبیق مضمونی (Thematic)

۴. تطبیق فرم و نقش (Form)

۵. تطبیق میان رشته‌ای (Interdisciplinary)

هریک از پنج نوع تطبیق فوق در حد توان توصیف و تبیین شده و با معرفی عناوین متعدد پژوهشی که یا قبلاً مورد پژوهش قرار گرفته‌اند و یا قابلیت پژوهش دارند همراه گشته‌اند.

### صورت مسئله

اکنون بیش از یک دهه است که دروسی با مضامین تطبیقی - «تاریخ تطبیقی هنر» یا «مطالعات تطبیقی هنر» - در فهرست دروس رشته‌های هنری، خصوصاً رشته پژوهش هنر به چشم می‌خورد. بی‌تردید وضع کنندگان این عناوین دروس ضرورت گنجاندن آن را حس کرده و به تفاوت‌های بنیادین آن با دروس مشابهی چون «تاریخ هنر» پی برده بودند. لیکن ارائه

این درس در عمل همواره با مشکل روبه‌رو بوده است: اشکالاتی در خصوص درس «مطالعات تطبیقی هنر» گوشزد می‌شد، و به هیچ وجه بی‌مایه و بدون مبنا نیز نمی‌نمود مضمون زیر را در برداشت:

- چه تفاوتی میان «درس تاریخ هنر» که واحدهای مختلف آن قبلاً، چه در مقطع کارشناسی و چه در کارشناسی ارشد ارائه شده‌اند، با درس «مطالعات تطبیقی هنر» - که پیشترها با عنوان «تاریخ تطبیقی هنر» ارائه می‌شد - وجود دارد؟ این اعتراضات به تکرار مقولات ارائه شده در درس تاریخ هنر در قالب درسی با عنوانی جدید اشاره دارند. البته عنوان «تطبیقی» به خودی خود تا حدی بیانگر نگاه متفاوت بر این درس هست: آنچه از عنوان «تطبیقی» بر می‌آید این است که در این درس به مندرجات تاریخ هنر و مضامین هنری که در بستر تاریخ به وقوع پیوسته‌اند با نگاهی مقایسه‌ای نگریده می‌شود.

همین توضیح ساده شاید برای موجه جلوه دادن درس مذکور و اهمیت و ضرورت ارائه آن کفایت کند و البته ایرادات وارده هم هیچ‌گاه از «تردید در ضرورت و اهمیت» این عنوان نبوده بلکه نحوه ارائه این درس همواره با پیچیدگی‌هایی روبه‌رو بوده که ذاتی عنوان «تطبیقی» است. در نظر داریم تا زمینه‌های اصلی این‌گونه مطالعات را کاویده و معرفی کنیم. در واقع این نوشتار معرفی نوعی «روش شناسی در نگاه» است که امید می‌رود با مجهز شدن به آن بتوان مباحث تاریخی، نظری و ساختاری هنر را به شیوه‌ای متفاوت بررسی کرد؛ شیوه‌ای که طراوت و تازگی را هم در «راه» و هم در «نتیجه» در برداشته باشد.

#### ضرورت مطالعات تطبیقی هنر

جهان دانش مدتی است که در حال پوست انداختن است و خود را در ساحتی وسیع‌تر از ساحت‌های محدود و تنگ گذشته وارد ساخته. علت این امر را باید از یک سو در کشف ارتباط علوم و هم پوشانی (overlapping) و تداخل حیطه‌های مطالعاتی جست و جو کرد که زمانی کاملاً مجزا و منفک از یکدیگر تلقی می‌شدند؛ و از سوی دیگر وسعت دانش‌های مرتبط به فن آوری اطلاعات (Information Technology) زمینه را برای دسترسی سریع به معارف گوناگون و تحقق جدی پدیده دهکده جهانی (که با مسائل و بحران‌های روز مربوط به جهانی شدن متفاوت است) هموار ساخته است. مبحث «گفت و گوی تمدن‌ها» که امروزه مورد توجه اکثر ملل عالم قرار گرفته، حاصل همین ضرورت تاریخی است. در واقع معارف بشری وارد مرحله‌ای جدید و ساحتی متفاوت گشته‌اند، و انسان می‌رود تا دریابد که: وجود او همراه با فرهنگ و تمدن و اعتقادات و آئین‌هایش - چون گره‌ای است در بافته هستی، که رشته‌های تار و پودش در طول تاریخ و عرض جغرافیا گسترده شده‌اند. لذا انسان برای یافتن هویت حقیقی خود می‌بایست نه تنها به ساختار گره (بافت اعتقادی اجتماعی...) خود آگاه باشد بلکه ضروری است که خود را از یک سو به گذشته و آینده (تاریخ) مرتبط سازد و از سوی دیگر باید فرهنگ‌های موجود در عرض جغرافیایی خود را - که پودهای وجودیش به آنها متصل و مرتبط است - بشناسد.

هنر، در این میان یعنی در گفت و گوی میان تمدن‌ها - مرتبه‌ای والا و شأنی استثنایی دارد

چرا که صادق ترین آئینه زمان خود است. جمله ساده و در عین حال ژرف کاندینسکی که: «هر هنری فرزند زمان خویش است و مادر احساس های ما است»، توصیفی صادقانه و موجز از هنر و جایگاه آن در رابطه با انسان و اجتماع و زمان به دست می دهد. مطالعه تطبیقی هنر در ادوار و فرهنگ های گوناگون زوایایی نهفته و پر اهمیت را از فرهنگ بشری آشکار می سازد. در مطالعات تطبیقی هنر دو یا چند موضوع متفاوت که در وجه یا وجوهی با هم اشتراک داشته باشند برابر یکدیگر نهاده می شوند. مطالعات تطبیقی یافتن تشابهات در موضوعات متفاوت، و پی بردن به تفاوت ها در موضوعات متشابه است. پیگیری سیر تحول یک فرم یا یک پدیده هنری است در بستر یک تمدن و فرهنگ، و یا قیاس چگونگی تجلی یک هنر است در بستر دو یا چند تمدن و فرهنگ. در نگاه تطبیقی به هنر، نگرش عرضی یا «برشی» به نگاه طولی یا «تسلسلی» متمم می گردد، و تعمق در سطوح و لایه های تاریخ بر ژرفای نگاه می افزاید. در این نگرش ردپای یک فرهنگ در عرصه های دیگر فرهنگ ها آشکار می گردند؛ ناگزیر مرزهای زمانی و مکانی کمرنگ می شوند و پژوهشگر در طی مراحل کار به وسعت نگاه و دید گسترده ای دست می یابد، که صفتی شایسته و گران سنگ است.

#### مطالعات تطبیقی هنر و ساختارهای اصلی آن

مواد خام مطالعات تطبیقی، مواد موجود در «تاریخ هنر» است، لیکن آنچه مطالعات تطبیقی را از شیوه های رایج مطالعات تاریخ هنر متمایز می سازد، همانا «گزینش» متفاوت و جهت دار مواد خام و چیدن این مواد با نگاهی مدیرانه و با ساختاری از پیش برنامه ریزی شده است. همپوشانی موضوعات: نکته مهمی که ذکر آن در اینجا شایسته و ضروری به نظر می رسد این است که اغلب موضوعات و عناوینی که در هر یک از بخش های پنج گانه ذیل معرفی شده اند به طریقی با بخش های دیگر ارتباط دارند؛ به عنوان مثال اکثر عناوین ذکر شده در بخش های پنج گانه را می توان در بخش «تطبیق فرم و نقش» نیز جای داد. علت این همپوشانی و احساس خلط مبحث - که ممکن است در مطالعه این سیاهه پیش آید - را می بایست در جوهره هنر جست وجو کرد. همه می دانیم که هر اثر هنری دارای دو وجه «فرم» و «محتوا» (موضوع - مفهوم - مضمون) است. لذا همه عناوین معرفی شده در این مقاله - و صدها عنوان دیگر - را می توان به نحوی در دو بخش «تطبیق مضمونی» و «تطبیق فرم» جای داد. لیکن قصد از ارائه طبقه بندی پنج گانه زیر اشاره به وجوه و منظرگاه هایی است که هر یک می تواند یک پژوهش هنری واحد را به جهت های گوناگونی هدایت کند و سرانجام به دستاوردهای متفاوت، بدیع و راه گشا ختم گردد.

#### ۱. تطبیق طولی یا تسلسل تاریخی (Chronological)

این روش تطبیق نزدیک ترین نوع پژوهش به شیوه های رایج مطالعات تاریخ هنر است. در این شیوه، موضوعی در یک فرهنگ و محدوده جغرافیایی خاص انتخاب می شود، و سیر تحول آن در بستر تاریخ مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرد.

شاید ذکر چند عنوان - که برخی از آنها موضوع پژوهش های کلاسی، یا رساله های نهایی

فارغ‌التحصیلی بوده‌اند - گویا تر از توصیف انتزاعی موضوع باشد:

- سیر تحول فرم و پردازش نقش گیاهان در نگاره های ایرانی از ... تا ...
- سیر تحول فرم و پردازش نقش اسب و سوار در نگاره های ایرانی از ... تا ...
- سیر تحول نقوش روی سکه های ایران از دوره ... تا دوره ...
- سیر تحول پوشاک پادشاهان ایران در دوران اسلامی<sup>۱</sup>

(موضوع فوق را می توان در قوالب محدودتر نیز ارائه نمود، مثل سیر تحول پاپوش ها، سربندها - تاج ها - ... این تحقیق را می توان در مورد مشاغل مختلف، زنان و مردان و کودکان نیز به طور مجزا انجام داد)

- سیر تحول نقش گیاهان در دست بافته های ... از ... تا ...
- سیر تحول نقش جانوران در دست بافته های ... از ... تا ...
- سیر تحول بنای کاخ های ایران از ... تا ...

(عنوان فوق را می توان در قوالب محدودتر و جزئی تر - مثل سیر تحول شکل درها، و پنجره ها، تالارها، ستون ها - تزئینات وابسته به معماری و - موضوع یک تحقیق مستقل قرار داد)...

- سیر منظره پردازی در تاریخ نقاشی ایران<sup>۱</sup>

## ۲. تطبیق عرضی یا برش تاریخی (Slice)

تطبیق عرضی، و «تطبیق موضوعی» (که بعداً به آن خواهیم پرداخت) شاید مهم ترین، کاربردی ترین و وسیع ترین زمینه های کاوش تطبیقی را در برداشته باشند. در اینگونه تطبیق، مقطعی از تاریخ، و موضوعی محدود در زمینه هنر انتخاب می شود. آنگاه پژوهشگر به مطالعه عرضی آن موضوع در دو یا چند فرهنگ، تمدن یا منطقه می پردازد. مزیت تطبیق عرضی این است که تحولات هنری دو یا چند جامعه را همزمان مورد بررسی قرار می دهد.

نقاط قوت و ضعف هنر هر ناحیه، و تأثیرات و تأثراتی که به لحاظ فرمی و محتوایی از هم و برهم داشته‌اند در این گونه پژوهش آشکار می گردند. از آنجا که بررسی و درک هنر یک عصر بدون مطالعه زمینه های اجتماعی و فرهنگی آن ناممکن است نتایج حاصل از «تطبیق برش تاریخی» زمینه های مستعد و بکری را برای پژوهش های موازی پدید می آورد. این شیوه از پژوهش چنانچه در چند موضوع جهت دار تنظیم و هدایت شود گامی استوار و بنیادین در راستای گفت و گو میان تمدن ها به شمار خواهد رفت.

در اینجا لازم به توضیح است آثار هنری (اعم از معماری - نقاشی، موسیقی، هنرهای نمایشی و ...) شاخصه های اصلی تمدن ها هستند. این آثار ارتباطی تنگاتنگ با وضع معیشتی شرایط جغرافیایی، آداب اجتماعی، باورهای دینی و حتی سطح دانش و فن آوری یک قوم دارند و در یک کلام به قول آناندا کومارا سوامی: رشد یا افول هنرها معرف رشد و افول کیفیات کلی یک قوم به شمار می رود. لذا چنانچه این شاخصه ها در نگاهی تطبیقی در کنار هم بررسی شوند، به واقع گفت و گوی میان فرهنگ ها رخ داده است.

البته از آفات ذاتی پژوهش های متکثر که پژوهشگران مختلف در مقاطع گوناگون عهده دار

فصلنامه هنر شماره پنجاه و چهار

انجام آن می‌شوند، پراکندگی و ناهمگونی‌های ساختار پژوهشی است. برای غلبه بر این مشکل و همسو و همگون نمودن مطالعات، تهیه جدول‌های ساختاری «مادر» بسیار مفید خواهد بود.

در جدول مادر پرسش‌های اصلی در مورد موضوع مورد پژوهش مطرح می‌گردد که هنرپژوه موظف است به آن پرسشها در حیطه پژوهشی خود پاسخ گوید. به عنوان مثال اگر موضوع پژوهش «بررسی تطبیقی ظروف سفالین» در دو یا چند منطقه و تمدن باشد، سؤالات عمده مربوط به این موضوع عبارت خواهند بود از: «شکل ظروف»، «نقوش»، «کاربرد»، «جنس» و «ابعاد تقریبی ظروف». می‌دانیم ابتدایی‌ترین نوع ساخت ظروف را سفالینه‌ها تشکیل می‌دهند، و همین سفالینه‌ها هستند که شاخصه آغاز شهرنشینی و تمدن به شمار می‌روند. حال اگر محدوده جغرافیایی موضوع پژوهش را، به عنوان مثال، منطقه‌های ایران، اردن، آناتولی، سومر، اکد، هند، کره، بابل و آشور فرض کنیم، و مقطع تاریخی را هزاره ششم و پنجم پیش از میلاد انتخاب نمائیم، در اولین تلاش در پر کردن جدول خود (در ستون عمودی جدول نام تمدن‌ها می‌آید و در ستون افقی مشخصات ظروف «شکل، نقش ...» به ایرادی روشنگرانه برمی‌خوریم. ایراد این است که در پژوهش خود تنها قادر خواهیم بود مواد اطلاعاتی مربوط به اردن، آناتولی، ایران و کره را به دست بیاوریم و خانه‌های جدول ما که به تمدن‌های سومر، اکد، بابل، آشور و هند اختصاص یافته خالی خواهند ماند. این عدم یافتن منابع، ما را از این واقعیت آگاه می‌سازد که در هزاره‌های ششم و پنجم پیش از میلاد اساساً صنعت سفالگری در تمدن‌های اخیرالذکر آغاز نشده بود (قدیمی‌ترین آثار سفالینه مربوط به سومر و آشور و هند به هزاره چهارم، و در مورد بابل و اکد به هزاره سوم پیش از میلاد باز می‌گردد). نکته روشنگرانه در اینجا است که حتی خانه‌های خالی جدول حامل اطلاعات مهمی هستند (اطلاع در مورد عدم آغاز سفالگری در تمدن‌های مربوطه).

حال اگر گام را پیشتر نهمیم، و مواد گردآوری شده را در جدولی بزرگ‌تر تنظیم کنیم و خصوصیات سفالینه‌های به دست آمده را در آن درج نمائیم با دانشی وسیع، مفید و کاربردی در مورد سفالینه‌ها در یک مقطع تاریخی روبه رو خواهیم شد. گرچه همه اطلاعات گرد آمده در کتب و مقالات به صورت مستقل وجود دارد ولی نوع جدیدی قرارگیری در کنار یکدیگر آگاهی پژوهنده و مخاطب را به مرتبه بالاتر و کیفی‌تری ارتقاء می‌بخشد.

اینک چند عنوان پژوهشی را به عنوان شاهد مثال برای «مطالعات تطبیقی عرضی یا برش تاریخی» می‌آوریم.

بررسی تطبیقی پوشاک زنان در ایران و اروپا در قرن شانزدهم میلادی (تطبیق فوق موضوع نمایشگاهی بود تحت عنوان «پوشش برای بدن یا بدن برای پوشش» که در سال ۲۰۰۱ میلادی در موزه هنرهای اسلامی مالزی برگزار گردید).

- بررسی تطبیقی سفالینه‌های تمدن‌های ... در هزاره دوم پیش از میلاد.

- بررسی تطبیقی سکه‌های رایج در فرهنگ‌های ... و ... در مقطع تاریخی ...

- بررسی تطبیقی پوشاک پادشاهان صفوی، عثمانی و مغول‌های گورکانی.

- بررسی تطبیقی معماری و تزئینات مساجد پادشاهی مربوط به دربارهای صفوی، عثمانی

و مغول‌های گورکانی.

- بررسی تطبیقی آرایش و زیورآلات سنتی زنان اقوام مختلف ایران در عهد...
- بررسی تطبیقی موسیقی و اشعار مربوط به مراسم عروسی در اقوام مختلف ایران.
- مطالعه تطبیقی نقاشی‌های بغداد و ایران در دور عباسیان<sup>۲</sup>.
- مطالعه تطبیقی مهرهای تمدن‌های ایران و هند (تمدن دره سند) در هزاره‌های چهارم تا اول پیش از میلاد<sup>۳</sup>.
- بررسی تطبیقی نقوش اسب و سوار در نقاشی‌های قرون میانه چین و ایران<sup>۴</sup>.

### ۳. تطبیق مضمونی (Thematic)

این سنخ تطبیق در برخی موارد به «تطبیق عرضی» نزدیک می‌شود و با آن همپوشانی دارد. در تطبیق مضمونی نیز موضوع واحدی در دو یا چند بستر فرهنگی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، لیکن در پژوهش نوع اخیر محدودیت زمانی و تاریخی وجود ندارد. به سخن دیگر مورد پژوهش در یک یا چند بستر فرهنگی جغرافیایی مشخص بدون قید زمانی پی گرفته می‌شود. از جمله عناوینی که می‌توان در این قالب از آن نام برد «بررسی تطبیقی نقوش سفال‌های تاریخی ایران» است که توسط یکی از دانشجویان به عنوان پروژه کلاسی انجام گردیده است.<sup>۵</sup> در بخش تطبیقی - تصویری این پژوهش جدولی تنظیم گردیده که در ستون عمودی آن نام مناطقی که سفالینه‌ها از آنها به دست آمده‌اند قید گردیده‌اند. مراکز عبارتند از تپه زاغه، سیلک، شوش، شهر سوخته و تپه قبرستان. در ستون افقی این جدول طبقه‌بندی نقوش درج گردیده‌اند که عناوین ذیل در آنها به چشم می‌خورد: نقوش هندسی، نقوش حیوانی، نقوش گیاهی، نقوش انسانی و نقوش کیهانی (منظور از نقوش کیهانی نقوش نمادینی است که به صورت فلکی و... ارتباط دارند). در این جدول نیز به خانه‌های خالی برمی‌خوریم که بسیار گویا و مفید هستند؛ مثلاً در یک نگاه سریع به جدول در می‌یابیم که در یافته‌های «تپه زاغه» تنها نقوش هندسی وجود دارد و از دیگر نقوش خبری نیست و یا اینکه سفالینه‌های یافت شده از «تپه قبرستان» فاقد نقوش انسانی هستند و... تحقیق مذکور متن مستقلی به همراه دارد که در واقع مقدمه‌ای است برای مطالعه جدول. در این متن به قدمت و محل یافت و سابقه تاریخی سایت-های مذکور اشاره شده و به تقسیم‌بندی نقوش به طور تفصیلی پرداخته شده است. تفاوت این تطبیق با عنوان تقریباً مشابه بخش «تطبیق عرضی» (بررسی تطبیقی سفالینه‌های تمدن‌های... در هزاره دوم پیش از میلاد) این است که در موضوع پیشین عنوان کلی سفالینه‌ها مطرح بوده، و به خصوصاتی از قبیل کاربرد، شکل، ابعاد، جنس و نقش به طور کلی پرداخته شده و محدوده زمانی مشخصی برای پژوهش مذکور برگزیده شده است؛ در صورتی که در مطالعه مضمونی سفال‌ها، موضوع پژوهش به نقوش در حیطه جغرافیایی مشخص محدود گردیده و در عوض بستر زمانی آن نامحدود است. حاصل پژوهش‌های مذکور چنانچه توسط یک گروه به طور موازی یکدیگر انجام شود، مکمل یکدیگر گشته و اطلاعات وسیع و دقیقی را در حجمی اندک گرد می‌آورند. نوع ارائه مقولات فوق در قالب جدول، قدرت ارتباط با مخاطب را چندین و چندبار افزایش می‌دهد، و دسترسی جزئیات پژوهش را به سادگی و با سرعت

فصلنامه هنر شماره پنجاه و چهار

میسر می‌سازد.

شاخه دیگری از عناوین - که آنها را نیز می‌توان ذیل همین سنخ مطالعه تطبیقی طبقه‌بندی نمود - عناوینی هستند که سیر حرکت را «از مضمون به فرم» در بردارند. در این سلسله عناوین، پژوهشگر مضمون واحدی را انتخاب می‌کند و به گردآوری جلوه‌های متکثر آن در فرهنگ‌ها و دوره‌های گوناگون تاریخی می‌پردازد. آنگاه با کنار هم نهادن آثار، وجوه اشتراک و افتراقتان را مورد بررسی قرار می‌دهد. مطالعه، تجزیه و تحلیل، و تطبیق آثار گردآوری شده او را با اعتقادات و نگرش‌های اقوام و هنرمندان آفریننده آن آثار آشنا می‌سازد.

عناوینی از قبیل:

- بررسی جلوه‌های بهشت در نقاشی فرهنگ‌ها و ادیان
  - بررسی جلوه‌های جهنم در نقاشی فرهنگ‌ها و ادیان
  - مطالعه تطبیقی نقش فرشته در نقش‌واره‌های...
  - مطالعه تطبیقی موجودات خیالی (ام سببان، دوال‌پا و...) در سنت تصویری ایران<sup>۷</sup>
  - مطالعه تطبیقی پیکره‌های الهه مادر در تمدن‌های کهن<sup>۸</sup>
  - مطالعه تطبیقی دیدگاه سنتی و مدرن در فرآیند حفظ و مرمت آثار تاریخی<sup>۹</sup>
  - بررسی تطبیقی «مفهوم هنر»، و «جایگاه هنرمند» در ادوار مختلف تاریخ هنر<sup>۱۰</sup>
  - پژوهشی پیرامون عنصر آب در هنر ایران (از کهن‌ترین زمان تا دوره صفوی)<sup>۱۱</sup>
- می‌توانند در طرح موضوعات جدید برای پژوهش‌های تطبیقی مضمونی مفید و راهگشا باشند.

#### ۴. تطبیق فرم و نقش (Form)

این نوع تطبیق مکمل «تطبیق مضمونی» است و در برخی ابعاد با آن تشابه و همپوشانی دارد. در تطبیق فرم و نقش، سیر حرکت از «فرم» به «مفهوم» است در حالی که در «تطبیق مضمونی» مبنای حرکت یک مضمون یا مفهوم است که نهایتاً پژوهشگر را به فرم‌های منطبق به آن رهنمون می‌شود.

به سخن دیگر در «تطبیق مضمونی»، ماده خام پژوهش، یک مفهوم کلی و گاه انتزاعی است که در سیر مطالعاتی به فرم می‌رسد، لیکن در تطبیق اخیر (فرم و نقش)، همان‌گونه که از نامش پیداست، آشکال موجود، مواد خام تحقیق هستند که پژوهشگر در فرآیند مطالعه و تطبیق آنها به مفاهیم، زمینه‌های اعتقادی - اجتماعی بروز آنها در قالب «فرم‌ها» و «نمادها» پی می‌برد. در این نوع پژوهش تطبیقی محدوده زمانی و مقطع تاریخی امری ضروری به شمار نمی‌رود.

فرم‌ها و نقش‌ها در بسیاری از موارد بارور مفاهیمی ژرف و معرف نگرش و اعتقاداتی خاص هستند که در طول تاریخ در بستر فرهنگ‌ها به کرات ظاهر گردیده‌اند و جایگاهی خاص و پرمعنی را به خود اختصاص داده‌اند. این‌گونه نقوش «نماد» خوانده می‌شوند. نمادها با بافت اجتماعی - اعتقادی فرهنگ‌ها درهم آمیخته و گاهی نشانه هویت اقوام و ملل می‌گردند، نماد صلیب، سواستیکا، هلال ماه و... از این قبیل‌اند. از این روست که مطالعات



نمادشناسی نه تنها از مقوله‌های مهم تاریخ هنر به شمار می‌رود، بلکه به واسطه ارتباطات تنگاتنگ با مباحث انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، دین‌شناسی و طیف وسیعی از معارف دیگر، از مقولات مهم تاریخ تمدن بشری است. تطبیق نمادها از یک سو افق دید پژوهشگر را وسعت می‌بخشد، و از سوی دیگر مخاطبین گسترده‌تری را مورد خطاب قرار می‌دهد. نمادها در مرزهای تاریخ و اسطوره و دین سیر می‌کنند و ساحت پژوهش را به وادی پر رمز و رازی وسعت می‌بخشند که بسیار پیچیده و در عین حال دلپذیر است.

موضوعات مندرج در ذیل نمونه‌ای از عناوین مورد پژوهش بوده اند:

- بررسی تطبیقی بیکره‌های بالدار ایران و بین‌النهرین.<sup>۱۲</sup>

- بررسی تطبیقی قرص بالدار در تمدن‌های ایران، بین‌النهرین و مصر<sup>۱۳</sup>

- نمادپژوهی مار در سه تمدن باستانی ایران، یونان و مصر.<sup>۱۴</sup>

#### - تطبیق جایگاه نقش سواستیکا در تمدن‌های باستانی

- مطالعه تطبیقی فرم ماهی در تمدن‌های ایران - بین‌النهرین - یونان - مصر، هند و چین<sup>۱۵</sup>

- گل لوتوس در تمدن‌های مصر - چین - ژاپن، بین‌النهرین و ایران<sup>۱۶</sup>

- مقایسه تطبیقی هاله تقدس در ادیان اولیه ایرانی، مهرپرستی، مانوی، اسلام، مسیحیت و بودایی.<sup>۱۷</sup>

- مطالعه تطبیقی نمادهای صورت فلکی دوازده‌گانه در تمدن بین‌النهرین و ایران باستان<sup>۱۸</sup>

- مقایسه ماسک‌ها (صورتک‌ها)ی افریقا، اقیانوسیه و آمریکای لاتین<sup>۱۹</sup>

البته نمادها همیشه در قالب «فرم» تجلی نمی‌کنند. گاهی «رنگ‌ها» هستند که ارزش‌های نمادین با خود حمل می‌کنند و واسطه بیان‌های احساسی، عرفانی، دینی و ... می‌شوند. عنوان زیر که موضوع رساله کارشناسی ارشد بوده نمونه خوبی از این مقوله است.

- مطالعه تطبیقی نماد رنگ در فرهنگ دینی ایران و هند.<sup>۲۰</sup>

البته در زمینه رنگ به مطالعات جالب دیگری نیز می‌توان پرداخت که لزوماً وجهه نمادین ندارند، ولی به لحاظ اهمیت و جذابیت به هیچ وجه از عنوان فوق کم نیستند.

عنوان زیر که در قالب جداولی بسیار گویا و مفید تدوین گردیده، قابل ذکر است:

- تطبیق «رنگ» در نقاشی‌های دیواری ایران، روم، مصر و اتروسک.<sup>۲۱</sup>

از عناوین دیگری که با محوریت نقش و فرم مورد پژوهش قرار گرفته‌اند عبارتند از:

- مقایسه فیگورهای مصر و تخت جمشید.<sup>۲۲</sup>

- نقش «چشم» در آثار هنری تمدن‌های بین‌النهرین، مصر و یونان باستان<sup>۲۳</sup>

- تأثیر نقوش مهرهای ایران و بین‌النهرین در نشانه‌های تصویری معاصر<sup>۲۴</sup>

- نقش آتش مقدس در هنر ایران (تا دوران اسلامی)<sup>۲۵</sup>

- مطالعه تطبیقی نقش شیر و گاو در آثار هنری مصر و بین‌النهرین.<sup>۲۶</sup>

- تجربه نگارنده بر این امر دلالت دارد که دانشجویانی که زمینه‌های هنری - عملی (نقاشی - گرافیک...) و علائق اجرایی و کاربردی هنر دارند بیشتر به مطالعات تطبیقی فرم، نقش و نماد علاقه نشان می‌دهند. و مطالعات تطبیقی مضمونی بیشتر مورد توجه پژوهشگران با زمینه

و گرایش نظری قرار می‌گیرد.

#### ۵. تطبیق میان رشته‌ای (Interdisciplinary)

شاید دشوارترین نوع از انواع مطالعات تطبیقی در هنر «تطبیق میان رشته‌ای» باشد. این نوع تطبیق، بنیادی انتزاعی دارد. ذهن پژوهنده می‌بایست از ساحت‌های فرم و محتوا فراتر رود و این دو پدیده (فرم و محتوا) را در نظام و سیستمی انتزاعی و فراتر از حیطه محدود رشته‌های خاص هنری ادراک نماید. این نگرش حواس پنج‌گانه را به هم نزدیک می‌کند و قابلیت تبدیل یکی را به دیگری فراهم می‌آورد. قابلیت انطباق، درک و ارتباط «رنگ و آوا» «فرم و رنگ»، «حجم و آوا»، «حرکت و رنگ»، «حرکت و آوا» «فرم و آوا» از این مقوله است.

برای روشن‌تر شدن صورت مسئله موضوع را قدری می‌شکافیم:

همه به این اصل متفق‌القول‌اند که مبانی اعتقادی و سنت‌های فکری اقوام در شکل‌گیری هنرهایشان مؤثر است. به سخن دیگر هنرهای یک قوم - اعم از هنرهای تجسمی، نمایشی، ادبیات، معماری و موسیقی - همگی تجلی‌گاه مبانی فکری و اعتقادی مردمی هستند که آن هنرها را می‌آفرینند و از آن لذت می‌برند. (البته تجلی‌گاه سنت یک قوم تنها در هنرهای فوق خلاصه نمی‌شود، بلکه در آداب و رسوم زیستی، نوع غذاها، بازی‌ها، شیوه سخن گفتن، آرایش و کلاژ شوون فردی و اجتماعی آن قوم جاری است).

با این فرض واضح می‌شود که می‌بایست ارتباطی بین همه این وجوه وجود داشته باشد چرا که همه آنها، به رغم جلوه‌های متکثر و متنوع‌شان، ترجمانی هستند از یک مرتبه وجودی و یک احوال کلی مشخص. مثلاً هنگامی که نوای موسیقی سنتی پخش می‌شود لذت بردن از آن، درک آن، و یکی شدن با فرم و محتوای آن، فضایی را طلب می‌کند که با آن ساز و نوا سنخیت داشته باشد. یعنی معماری که در خیال برگرد آن موسیقی تصور می‌شود فضایی است (اعم از بنا یا باغ یا صحرا...) که با آن نوا هم زبان است. حال اگر ذهن را فراتر ببریم و تلاش کنیم تا «بوها» و «رایحه‌هایی» را که در آن فضا پراکنده شده‌اند، در عالم خیال استشمام کنیم، باز قرابتی میان آن رایحه و آن معماری و آن موسیقی خواهیم یافت. بی‌تردید شیوه آرایش و لباس نوازندگان، پوشش مخاطبین، تزئینات و نقش و نگاره‌های اطراف و زیراندازهای موجود همگی با هم انس و قرابتی معنی‌دار خواهند داشت چرا که همه ترجمان یک احوال هستند در قوالب متعدد.

حال اگر یک پژوهشگر در صدد برآید تا وجوه مشترک این مقوله‌های متفرق را کشف کند و آنها از قالب «احساسی» به قوالب «ادراکی» «توصیفی» و «تحلیلی» منتقل نماید، و به سخن دیگر به تبیین علمی و آکادمیک این انطباق بپردازد، «تطبیق میان رشته‌ای» رخ داده است. البته ارائه مفاهیم فوق در قالب‌های عقلی و استدلالی امری ثانویه است. به نظر می‌رسد نفس وقوف اولیه و ادراک و مشاهده تطبیق جوهرین مقولاتی که در عالم واقع از جنس‌های مختلف و غیرقابل آمیزش ساخته شده‌اند (مثل صوت، حجم و رنگ)، امری شهودی باشد، که در یک لحظه و بدون مقدمات استنتاجی و استدلالی رخ می‌دهد، و تنها از این مرحله به بعد است که موضوع قابلیت توصیف عقلی و کلامی می‌یابد.

عنوان‌هایی نظیر:

- مطالعه تطبیقی معماری و موسیقی سنتی ایران.<sup>۲۷</sup>
- بررسی مقایسه‌ای ادبیات و معماری دوره...  
- مطالعه تطبیقی نقاشی و موسیقی
- تأثیر لهجه‌ها در شکل‌گیری سبک‌های خوشنویسی - کالبدشناسی تطبیقی نستعلیق فارسی و اردو<sup>۲۸</sup>
- ارتباط و تطبیق رنگ‌ها و نغمه‌ها در...  
در راستای پژوهش‌های تطبیقی میان رشته‌ای قرار می‌گیرند.
- «مطالعات تطبیقی هنر» به اعتقاد نگارنده از درس‌های گران‌سنگ، ضروری و با اهمیت - خصوصاً در عصر اطلاعات - است. امید می‌رود که این نوشتار گامی باشد در جهت ارتقاء آموزش و پژوهش‌های تطبیقی در وادی هنر.



#### پی‌نوشت‌ها:

- ۱- موضوع پژوهش کلاسی خانم مرجان مؤمنان در درس مطالعات تطبیقی هنر.
- ۲- عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر آقای علی‌اصغر میرزایی مهر.
- ۳- آقای علیرضا عطاری موضوع مذکور را در قالب مقاله‌ای تدوین نموده‌اند.
- ۴- خانم سوسن محمودی در قالب پروژه کلاسی مطالعات تطبیقی هنر به موضوع مذکور پرداخته‌اند.
- ۵- آقای خسرو خسروی در قالب پروژه کلاسی مطالعات تطبیقی هنر به موضوع مذکور پرداخته‌اند.
- ۶- پژوهش توسط آقای شهریار خونساری انجام شده است.
- ۷- موضوع مذکور توسط خانم مریم لاری به عنوان پروژه کلاسی و هم در قالب پایان‌نامه تدوین گشته است.
- ۸- خانم شهین خانی این موضوع را ابتدا به عنوان پروژه کلاسی انتخاب و سرانجام در قالب پایان‌نامه تدوین نموده‌اند.
- ۹- عنوان مذکور توسط آقای سیامک علیزاده در قالب پروژه کلاسی پرداخته شده است.
- ۱۰- این موضوع توسط خانم فاطمه شاهرودی گردآوری و تدوین گشته است.
- ۱۱- خانم فاطمه دارابی پور شیرازی موضوع مذکور را در رساله کارشناسی ارشد پژوهش هنر مورد بررسی قرار داده‌اند.
- ۱۲- این عنوان توسط خانم نسیم ادیب به عنوان پروژه کلاسی مطالعات تطبیقی هنر مورد پژوهش قرار گرفته است.
- ۱۳- این عنوان توسط خانم نسرین عتیقه‌چی مورد پژوهش قرار گرفته است.
- ۱۴- پژوهش عنوان یاد شده ابتدا به عنوان پروژه کلاسی آغاز و سرانجام در قالب پایان‌نامه توسط خانم هما توکلی تدوین گردید.
- ۱۵- عنوان مذکور به عنوان پژوهش کلاسی تدوین گشت و متعاقباً با ارائه پایان‌نامه‌ای در مقطع کارشناسی ارشد پژوهش هنر توسط آقای مهران ملک، منجر گردید.
- ۱۶- خانم هانیه نیکخواه عنوان مذکور را در پروژه کلاسی مطالعات تطبیقی هنر مورد پژوهش قرار داده‌اند.
- ۱۷- این عنوان توسط خانم محبوبه الهی به عنوان پایان‌نامه تدوین گشته است.
- ۱۸- خانم مینو ایرانپور عنوان مذکور را در پروژه کلاسی مطالعات تطبیقی هنر مورد پژوهش قرار داده‌اند.

فصلنامه هنر شماره پنجاه و چهار

- ۱۹- این موضوع توسط خانم آسا سالیانی در قالب پروژه کلاسی مطالعات تطبیقی هنر پرداخته شده است.
- ۲۰- رساله مذکور توسط خانم فرحناز همدانی زاده تدوین گشته است.
- ۲۱- پژوهش مذکور توسط آقای سید همایون موسوی به عنوان بخشی از پروژه کلاسی مطالعات تطبیقی هنر تدوین گشته است.
- ۲۲- پژوهش از خانم بهناز عبداللهیان.
- ۲۳- عنوان مذکور در دو پژوهش مجزا توسط خانم‌ها فرشته ناییبی و مریم فرزاد به عنوان پروژه کلاسی مطالعات تطبیقی هنر مورد بررسی قرار گرفته است.
- ۲۴- پژوهش کلاسی مطالعات تطبیقی هنر، متعلق به خانم سوسن محمودی.
- ۲۵- عنوان مذکور موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشد آقای محسن غلاملو است.
- ۲۶- پژوهش کلاسی مطالعات تطبیقی هنر خانم مریم لاری.
- ۲۷- آقای سیدحسام‌الدین سراج در یک پژوهش کلاسی در این وادی گام نهاده است. آقای بهمن حاجی امینی نیز در پژوهشی در درس مطالعات تطبیقی هنر به همین موضوع پرداخته است.
- ۲۸- عنوان مذکور به عنوان نظریه‌ای نو در ارتباط شیوه‌های گویش و نگارش (خوشنویسی) در اولین همایش خوشنویسی جهان اسلام از سوی نگارنده ارائه شده است.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی